

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی بری میسان- par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۰۹ اپریل ۲۰۱۶

چرا "اسناد پاناما" ؟

Pourquoi les " Panama Papers " ?

خلاف ظواهر امر، اردوی " اسناد پاناما " برای محدود ساختن بزهکاری های مالی و افزایش آزادی نتیجه مثبتی نخواهد داشت، بلکه کاملاً به عکس، در مسیر معکوسی که هرگز نمی توانستیم تصور کنیم حرکت می کند. سیستم کمی بیشتر پیرامون پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، هالند، ایالات متحده و اسرائیل منقبض خواهد شد، به گونه ای که آنان و تنها آنان خواهند بود که کنترل را به دست خواهند گرفت. اعضای انجمن بین المللی روزنامه نگاران تجسسی با ارتکاب به نقض اصل برابری در برابر قانون و اخلاق حرفه ای، به خدمت دشمنان آزادی و مدافعان سرمایه های بزرگ درآمدند و به صرف سنجاق زدن به پرونده چند بزهکار، چیزی را در اصل واقعه تغییر نمی دهند.

شبکه ولتر (دمشق) ولتر ۰۶ اپریل ۲۰۱۶



نظریه کریستینا داکورث رومر: Christina Duckworth Romer به این معناست که باید آن دسته از بهشت های مالیاتی که خارج از سلطه آنگلو ساکسون ها به سر می برند را مجبور ساخت که از بی ثبات سازی اتحادیه اروپا صرف نظر کنند، تا وقتی که سرمایه ها به سوی بهشت های مالیاتی متعلق به پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، هالند، ایالات متحده و اسرائیل سرازیر شود.

ستراتژی اقتصادی ایالات متحده

در نخستین دور ریاست جمهوری، رئیس جمهور اواما برای پست مدیریت هیأت مشاوران اقتصادی، تاریخشناس کریستینا رومر را انتخاب کرد. این استاد دانشگاه برکلی متخصص بحران ۱۹۲۹ است. به گفته او، نه (نیو دیل New Deal) به برنامه اقتصادی و اجتماعی فرانکلین روزولت بعد از بروز رکود بزرگ در ایالات متحده در سال ۱۹۲۹ اطلاق می شود) و نه جنگ جهانی دوم خروج از بحران را ممکن نساخت، ولی از سال ۱۹۳۶ برای فرار از "افزایش خطر" موجب سرازیر شدن سرمایه های اروپائی شد.

بر اساس این نظریه بود که بارک اواما رویکرد سیاست اقتصادی خود را تعیین کرد. در نخستین مرحله، برای بستن همه بهشت های مالیاتی که تحت کنترل واشنگتن و لندن نبودند اقدام کرد. سپس، بی ثبات سازی یونان و قبرس را به شکلی سازماندهی کردند که سرمایه های اروپائی به بهشت های مالیاتی آنگلوساکسون پناهنده شود.

همه ماجرا در دسامبر ۲۰۰۸ در یونان و از تظاهراتی شروع شد که در کوران آن یک نوجوان به دست پولیس به قتل رسید. در این دوران سازمان سیا با اتوبوس اوپاش و تخریب گران کوزوو را منتقل کرده بود تا تظاهرات را مختل کنند و با این حساب که یونان را به نقطه پرتگاه بکشاند و نخستین خطوط طرح هرج و مرجی را که برای این کشور تدارک دیده بودند، ترسیم کنند. (1) وزارت خزانه داری مشاهده کرده بود که سرمایه های یونانی را از کشور خارج می کنند. پس از انجام موفقیت آمیز طرح، واشنگتن تصمیم گرفت که این کشور شکننده را در بحران مالی و اقتصادی فروبرد و حتی موجب زیر سؤال بردن منطقه یورو شد. به همان شکلی که پیشبینی شده بود، هر بار که موضوع اخراج احتمالی یونان از منطقه یورو، و یا حذف منطقه یورو مطرح می شود، فوراً سرمایه های اروپائی به سوی بهشت های مالیاتی قابل دسترسی، یعنی بریتانیائی، امریکائی و هالندی سرازیر می شود. در سال ۲۰۱۲، عملیاتی دیگر علیه بهشت مالیاتی قبرسی صورت گرفت و همه حساب های بانکی بالای ۱۰۰.۰۰۰ یورو توقیف شد. برای نخستین بار بود که در یک کشور سرمایه داری، این نوع حرکت ملی مشاهده می شد. (2)

در هشت سال گذشته، ما شاهد بسیاری از گردهمائی های کشورهای گروه ۸ و کشورهای گروه ۲۰ بوده ایم که انواع و اقسام موازین بین المللی را به تصویب رساندند تا به اصطلاح از فرار مالیاتی جلوگیری کنند. (3) ولی وقتی قوانین و موازین به تصویب همگان رسید، ایالات متحده و اندکی کمتر اسرائیل، هالند و بریتانیا از اجرای آن سرپیچی کردند.

بهشت های مالیاتی

هر بهشت مالیاتی وضعیت حقوقی خاص خود را دارد که عموماً پوچ و غیر منطقی است. در حال حاضر، بهشت های مالیاتی اصلی عبارتند از شهر مستقل سیتی لندن (عضو پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی)، ایالت دلاویر (عضو ایالات متحده آمریکا)، و اسرائیل، ولی بهشت های متعدد دیگری نیز وجود دارد که خاصه بریتانیائی هستند، مانند جزایر جرزی، و گرنرزی Guernsey (عضو دوک نشین نرماندی و به همین عنوان تحت اقتدار ملکه انگلستان است، ولی عضو پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و اتحادیه اروپا نیست)، جبل طارق (سرزمین اسپانیائی که در تملک ارضی انگلستان است و پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی آن را به شکل غیر قانونی اشغال کرده است)، سپس آنگویلا، جزایر برمودا، جزایر کیمن، جزایر تورکس، جزایر ویرجین و مونسرات. بهشت های مالیاتی دیگری نیز وجود دارد که متعلق به هالند است: اروپا، کوراسائو، سن مارتین.

بهشت مالیاتی، یک "منطقه آزاد" است که به تمامی کشور گسترش می یابد. با وجود این، در تخیل عمومی منطقه آزاد به ضروریات اقتصاد تعلق دارد، در حالی که "بهشت مالیاتی" مصیبت است، ولی هر دو یکی هستند. البته، برخی

شرکت ها از مناطق آزاد و برخی دیگر از بهشت مالیاتی سوء استفاده می کنند تا مالیات نپردازند، ولی دلیلی وجود ندارد که موجودیت این ساخت و سازهای ضروری برای تجارت بین المللی را محکوم کنیم.

در جنگ علیه بهشت های مالیاتی غیر آنگلساکسون، ایالات متحده به ویژه اقداماتی علیه سویس انجام داده است. (4) می دانیم که این کشور ساخت و سازهایی را برای حفظ اسرار بانکی ایجاد کرده است و چنین امری به شرکت های کوچک اجازه می دهد تا بی آن که شرکت های بزرگتر مطلع باشند معاملاتشان را به انجام رسانند. ایالات متحده با اعمال فشار روی سویس برای منتهی ساختن اسرار بانکی، چتر نظارتی اش را بر توده ها به معاملات اقتصادی نیز گسترش داده است. با چنین طرحی، ایالات متحده براحتی می تواند ترفندهایی رقابتی را به کار ببندد و فعالیت های شرکت های کوچک را متوقف سازد و یا از بین ببرد.



در طول ده سال، فوربز مجله اقتصادی امریکا فیدل کاسترو را به عنوان ثروتمندترین رئیس جمهور جهان معرفی می کرد. حتا اگر امروز بر همگان آشکار شده باشد که چنین موضوعی چیزی نبوده به جز تبلیغات، فوربز هرگز معذرت خواهی نکرده است.

"اسناد پاناما"

تحت چنین شرایطی بود که واشنگتن ۱۱.۵۰۰.۰۰۰ پرونده کمپیوتری رپوده شده از چهارمین دفتر وکالت در جهان را که مسؤولیت ایجاد شرکت های فرامرزی را به عهده داشته به روزنامه المانی زودویچه تسایتونگ *Süddeutsche Zeitung* تحویل داده است. این جاسوسی بزهارانه توسط " هشدار دهندگانی " صورت گرفته است که هویتشان را فاش نکرده اند. البته واشنگتن ابتداء با دقت کافی با حذف پرونده همه افراد و یا شرکت های امریکائی و احتمالاً آنانی که به جمع هم پیمانان خوب او تعلق داشته اند، این مجموعه از پرونده ها را تصفیه کرده است. به صرف حفظ نام برخی از به اصطلاح هم پیمانان که با دولت اواما مناسبات مطبوعی داشته اند، مثل رئیس جمهور اوکراین پترو پروچنکو Petro Porochenko، به ما نشان می دهد که از دیدگاه قدرت پشٹیبان تاریخ مصرفشان باطل شده است و رهایشان کرده اند.

در حالی که پاناما یک کشور اسپانیائی زبان است و زودویچه تسایتونگ به المانی منتشر می شود، پرونده های رپوده شده توسط جاسوسان به انگلیسی نامیده شده است. "Panama Papers":

اگر بخواهیم به طور مختصر بگوئیم، مبتکران این کلاهبرداری می خواهند به ما بگویند که هر کسی که علیه واشنگتن برخیزد به جرگه دزدان تعلق خواهد داشت. به عنوان مثال، اردوی تبلیغاتی فوربز را به یاد بیاوریم که فیدل کاسترو را

قاچاقچی مواد مخدر و در عین حال به عنوان ثروتمندترین های جهان معرفی می کردند. (5) با آگاهی به شرایط سخت زندگی خانواده کاسترو، نمی دانم چگونه به خودشان اجازه دادند که این گونه پرت و پلاها را اختراع کنند. مردان بزرگ جهان تجارت و امور مالی ناشناخته و سرّی عبارتند از: ولادیمیر پوتین، بشار اسد و محمود احمدی نژاد که زندگی فروتنانه آنان بر همگان آشکار است.

چنین تبلیغاتی علیه رقبای سیاسی بخش قابل رؤیت کوه یخی نیست، ولی نکته مهم آینده نظام مالی بین المللی است.



روزنامه نگاران و نقض اخلاق حرفه ای

روزنامه المانی زودویچه تسایتونگ جزء انجمن بین المللی روزنامه نگاران تجسسی ست، این انجمن تخصصی به معنایی که در عنوان آن یعنی "روزنامه نگاری تجسسی" مشاهده می کنیم نیست، بلکه کار تخصصی آن افشای جرائم و بزهکاری های مالی ست.

در جوامع جمهوری، عدالت باید برای همه برابر باشد. ولی انجمن بین المللی روزنامه نگاران تجسسی که از دوران بنیانگذاری اش تا کنون بیش از ۱۵ میلیون پرونده کمپیوتری را منتشر کرده است، هرگز به منافع ایالات متحده حمله نکرده است. در نتیجه، این انجمن نمی تواند مدعی طرفداری از موازین عادلانه باشد.

علاوه بر این، اصول جمهوری در جوامع ما وظایفی را برای روزنامه نگاران تعیین می کند. این وظایف در منشور مونیخ در سال ۱۹۷۱ توسط کلیه سندیکاها حرفه ای در بازار مشترک به تصویب رسیده، و سپس توسط فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران به مابقی جهان گسترش یافته است.

برای من کاملاً قابل درک است که این متن محدودیت هائی را تحمیل می کند که تحمل آن مشکل است. خود من نیز تا چند سال پیش بین افرادی بودم که تصور می کردم دست کم در برخی امور، نقض موازین می تواند برای شهروندان مفید باشد. ولی تجربه نشان داد که معمولاً نقض قوانین و موازین به نقض قوانین دیگری می انجامد که سرانجام به ضرر شهروندان تمام خواهد شد.

روزنامه نگاران انجمن بین المللی روزنامه نگاری تجسسی از خودشان نپرسیدند که با این همه تکلیف اخلاق حرفه ای چه خواهد شد. آنان پذیرای بررسی پرونده های رپوده شده و تفکیک شده شدند، ولی بی آن که حداقل میزان تشخیص اصالت آنها را داشته باشند.

منشور مونیخ می گوید که روزنامه نگاران می توانند اطلاعاتی را منتشر کنند که منشأ آنها شناخته شده باشد و اطلاعات اصلی از پرونده ها حذف و یا تحریف نشده باشد. علاوه بر این روزنامه نگاران برای کسب اطلاعات، عکس و پرونده نباید از روش های ناپسند استفاده کنند.

یعنی سه مورد از قواعدی که آنان آگاهانه نقض کردند، و معمولاً باید به اخراج آنها از حرفه روزنامه نگاری بینجامد و مدیران بی بی سی BBC ، فرانس -تلویزیون France-Télévisions ، ان آر کلا NRK ، و رادیو Free Europe/Radio Liberty (رادیوی سازمان سیا که عضو انجمن روزنامه نگاران نیز هست) می بایستی برکنار شوند.

مورد اخیر یگانه موردی نیست که انجمن بین المللی روزنامه نگاران تجسسی افشاء کرده است. در سال ۲۰۱۳، دو میلیون و پانصد هزار پرونده کمپیوتری رבוده شده را که به ۱۲۰.۰۰۰ شرکت فرامرزی مرتبط بود، منتشر کرد. سپس، در سال ۲۰۱۴ باز هم همین انجمن بود که قراردادهای امضاء شده بین شرکت های چند ملیتی و لوکزامبورگ برای برخورداری از امتیازات مالیاتی را افشاء کرد. در سال ۲۰۱۵ یک بار دیگر باز هم همین انجمن بود که حساب های بانک بریتانیایی HSBC را در سوئیس افشاء کرد.

انجمن بین المللی روزنامه نگاران تجسسی، بی گمان، توسط شماری از سازمان های وابسته به سیا مانند بنیاد فورد، و بنیادهای جرج سوروس George Soros تأمین مالی می شود. بنیاد سوروس نمونه جالب تری است، زیرا برای اعضای انجمن بین المللی روزنامه نگاران تجسسی پول سوروس از سوی سازمان سیا پرداخت نمی شود، بلکه از طریق معاملات مالی به پامال کردن منافع مردم تأمین می شود، یعنی موردی که آنها را معتبر تر جلوه می دهد.



اصل بنیادی جوامع جمهوری : برای رعایت قانون، عدالت باید برای همگان برابر باشد (ماده ۶ اعلامیه حقوق بشر و شهروند در سال ۱۷۸۹). بر این اساس، از تاریخ بنیانگذاری اش، انجمن بین المللی روزنامه نگاران تجسسی از افشای جنایات ایالات متحده خودداری کرده است. در نتیجه، این انجمن خلاف دعوای اش بی عدالتی را گسترش داده است.

بدون بهشت مالیاتی غیر آنگلوساکسون، محور مقاومت نیز وجود نخواهد داشت

این موضوع که حزب الله در پاناما و جاهای دیگر شرکت ها و حساب های مخفی دارد جای شگفتی ندارد. اخیراً در مقاله ای به این موضوع اشاره کردم که حزب الله لبنان برای بی نیاز شدن به کمک های مالی ایران در پی کسب استقلال مالی خود بوده و به اقداماتی دست زده است. ساخت و ساز چرخ دنده های پیچیده مالی حزب الله لبنان باید ترکیب تازه ای پیدا کند که بدون آن دوباره به طعمه همسایگان اسرائیلی اش تبدیل خواهد شد. و یا این موضوع که رئیس جمهور احمدی نژاد برای شکستن محاصره ای که کشورش قربانی آن می باشد و برای فروش نفت شرکت های فرامرزی ایجاد کرده نه تنها جنایتی مرتکب نشده بلکه موجب افتخار او نیز هست.

به همین گونه خانواده مخلوف از بستگان رئیس جمهور بشار اسد که از ترندهای مالی برای در هم شکستن محاصره غیرقانونی سوریه طی پنج سال جنگ استفاده کرده اند، باز هم موجب افتخار آنان است و دست به کار غیر قانونی نزده اند.

از این ماجرا چه چیزی باقی خواهد ماند؟ ابتداء اعتبار پاناما در هم شکسته خواهد شد و برای سر پا ایستادن به سالهای متمادی نیاز خواهد داشت. سپس تعدادی بز هکار خرده پا که از سیستم سوء استفاده کرده بودند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت، در حالی که بازرگانان درستکار باید مدت ها پاسخگوی دادگاه ها باشند. ولی خلاف ظواهر امر کسانی که این اردو را راه اندازی کرده اند مواظب خواهند بود که چیزی در این ساخت و سازها تغییر نکند. سیستم سر جای خودش باقی خواهد ماند، ولی این بار فقط به نفع بریتانیا، هالند، ایالات متحده و اسرائیل عمل خواهد کرد. با این تصور که از آزادی شان دفاع می کنند، آنانی که در این اردو شرکت کرده اند به آزادی خسارت وارد آورده اند.

ویدئو :

<https://youtu.be/jfHTZm52W6Q>

Thierry Meyssan

[1] Merci aux lecteurs qui retrouveront l'interview que j'ai donné à un média grec à ce sujet en 2009. Je n'avais pas écrit d'article, juste un paragraphe incident dans " [La "révolution colorée" échoue en Iran](#) ", par Thierry Meyssan, *Réseau Voltaire*, 24 juin 2009.

[2] " [Le pion chypriote](#) ", par Thierry Meyssan, Al-Watan (Syrie), *Réseau Voltaire*, 25 mars 2013.

[3] " [Le G 20 : une hiérarchisation des marchés financiers](#) ", par Jean-Claude Paye, *Réseau Voltaire*, 9 avril 2009.

[4] " [Lutte contre la fraude fiscale ou main mise sur le système financier international ?](#) ", " [UBS et l'hégémonie du dollar](#) ", par Jean-Claude Paye, *Réseau Voltaire*, 3 mars et 21 octobre 2009.

[5] " [Forbes invente la fortune de Fidel Castro](#) ", par Salim Lamrani, *Réseau Voltaire*, 24 mai 2006.

لینک متن اصلی در شبکه ولتر:

<http://www.voltairenet.org/article191130.html>

گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی